

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٣١٣٤٩

رانشکده علوم حدیث

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته علوم حدیث

گرایش تفسیر اثری

عنوان پایان نامه

قواعد فهم حدیث در لسان روایات

استاد راهنما

دکتر شادی نفیسی

استاد مشاور

حجت الاسلام دکتر کاظم قاضی زاده

دانشجو

زهرا زارعی مدوئیه

ماه و سال دفاع

اسفند ۱۳۸۷

۱۳۸۸/۱۱/۱۵

موسسه عالی حدیث

تهران

۱۳۱۲۴۹

تمام حقوق این اثر متعلق به دانشکده علوم حدیث است

باسمہ تعالیٰ

پایان نامہ خانم زہرا زارعی مدوئیہ دانشجوی دورہ کارشناسی ارشد رشته علوم حدیث

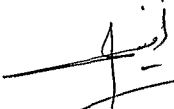
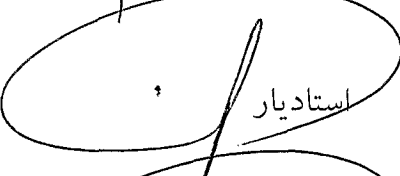
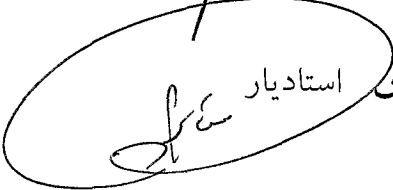
گرایش تفسیر اثری تحت عنوان قواعد فہم حدیث در لسان روایات

تہیہ و در جلسہ دفاعیہ تاریخ ۸۷/۱۲/۲۰ با درجہ عالی (۱۸-۲۰) O

بسیار خوب (۱۶-۱۸) O خوب (۱۴-۱۶) O ضعیف (۱۲-۱۴) O

غیر قابل قبول (زیر ۱۲) O به تأیید ہیأت داوران رسید.

ہیأت داوران:

سمت	نام و نام خانوادگی	مرتبہ علمی	امضا
استاد راہنما	خانم دکتر شادی نفیسی	استادیار	
استاد مشاور	حجت الاسلام دکتر کاظم قاضی زادہ	استادیار	
استاد داور	حجت الاسلام دکتر محمد کاظم رحمان ستایش	استادیار	

تقدیم به آنان که:

وجودشان، خلقت را بهانه است

و هستی شان، محبت را نشانه.

آنان که اگر مرصع شدن کلام حقیر به کلام صاعدشان نبود

به حق،

وجود را از تقدیم شرم می آمد.

همانان که یگانه سایه این خطابند:

«واحق معلم و فیکم و منکم و ایلکم»

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ بِمَا أَوَّلَ كَانَ قَبْلَهُ، وَالْآخِرِ بِمَا آخِرَ يَكُونُ بَعْدَهُ، الَّذِي قَصُرَتْ عَنْ رُؤْيَيْهِ أَبْصَارُ

النَّاطِقِينَ، وَعَجَزَتْ عَنْ نَعْتِهِ أَوْهَامُ الْوَاصِفِينَ»

و با تشکر از:

استاد گران قدرم سرکار خانم استاد نفیسی که بار، نمودهای دلسوزانه خویش مراد این تحقیق یاری رسان بودند

حجۃ الاسلام جناب آقای قاضی زاده که مرا از نظرات سازنده خویش در راستای بهتر شدن این تحقیق بهره مند ساختند

استاد بزرگوار حجۃ الاسلام جناب آقای رحمان ستایش که بر خود فرض می دانم که از راهنمایی های بی دریغ ایشان کمال سپاس را به جای آورم،

و دوست گرامی ام سرکار خانم موسوی، که در ترجمه روایات و ویرایش فنی این تحقیق بسیار مریاری رسانیدند.

چکیده

دانش فهم حدیث (فقه الحدیث)، از آنجا که به فهم تنها کلام پایاپای قرآن می پردازد، از ابتدای صدور حدیث بسیار مورد توجه و تأکید معصومین (علیهم السلام) بوده است. بدیهی است حاصل این دانش آنگاه سودمند افتد که فهم حدیث با کاربری قواعدی صحیح، که از روایات برآمده باشد، صورت گیرد. در سیر فهم حدیث، حدیث باید به دست فقیهی سپرده شود که با کسب آمادگی علمی لازم مانند: آگاهی بر ادبیات عرب، علوم قرآنی و علوم حدیث، و آمادگی روحی لازم مانند: پاک ساختن درون از قدرات و کسب صفای باطن، اهلیت این امر را یافته و با به کارگیری قواعد فهم حدیث در این راه گام نهاده، مراد معصوم را آشکار سازد، قواعدی که کاربری آنها در ایصال به فهمی نزدیک به مراد معصوم ضروری است. برخی از این قواعد با در نظر داشتن به تنهایی است و برخی با در نظر گرفتن حدیث در منظومه احادیث. بخش اول قواعد مانند: آشنایی کامل با ادبیات و قواعد زبانی عربی که زبان روایات است، توجه به وجود مجاز در روایات که معصومین خود به آن اشاره داشته و گاه مبین آن بوده‌اند، توجه به نقل به معنا در روایات که با شرایطی از سوی معصوم جایز دانسته شده است، توجه به ذمراتب بودن احادیث و اینکه هر مرتبه صاحب فهمی می‌طلبد، مانند احادیث «صعب مستصعب»، که گستره آن در روایات مشخص شده و فهم آن تنها به گروههای خاصی اختصاص یافته است، توجه ذوجوه بودن احادیث به مانند قرآن، نهی از تفسیر به رأی روایت که مانند نهی از تفسیر به رأی در مورد قرآن از امور بسیار مذموم است، فهم حدیث در پرتو قرآن؛ که فهم کامل حدیث جز در پرتو قرآن حاصل نمی‌شود، و بخش دوم قواعد مانند: لزوم جمع‌آوری احادیث ناظر به یک موضوع؛ چرا که کلام معصومین نور واحد بوده و فهم مراد حدیث منوط به نظر در منظومه روایات دارد، توجه به وجود گونه‌های مختلف محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، عام و خاص در احادیث و شناخت آن، تا منسوخ و متشابه و عامی ملاک فهم و عمل قرار نگیرد، توجه به وجود روایات تقیه‌ای که در شرایط خاص و به مصلحتهایی از سوی معصوم صادر شده است، توجه به وجود برساخته‌ها در گستره احادیث که برای شناخت آنها در روایات شناسه‌های متنی و سندی ذکر شده است، اطمینان از تقطیع نشدن روایت - که گاه به عمد یا سهو روی داده - تا حدیث در سیاق کلام تمام فهم شود، فهم حدیث در پرتو سبب صدور و قرائن ایراد سخن. با کاربری قواعد فوق نتایج مترتب بر فهم حدیث سه گونه خواهد بود: پذیرش روایت، طرد، یا توقف و رد علم به اهلش.

کلید واژه‌ها: فقه الحدیث، فهم حدیث، حدیث، روایت، قواعد حدیثی، صعب مستصعب.

فهرست مطالب

مقدمه	۱
فصل اول: کلیات	۷
۱ - ۱ - توضیح واژگان عنوان تحقیق	۷
۱ - ۱ - ۱ - حدیث	۷
۱ - ۱ - ۲ - روایت	۹
۱ - ۱ - ۳ - فقه	۱۳
۱ - ۱ - ۴ - قواعد	۱۳
۱ - ۲ - قواعد فهم حدیث	۱۳
۱ - ۲ - ۱ - اهمیت فهم حدیث	۱۳
اهتمام به فهم حدیث و نهی از صرفِ روایت	۱۶
فهم دین، تکلیفی بر هر مسلمان	۱۷
میزان اهتمام به درایت حدیث؛ معیاری برای شناخت جایگاه مؤمن	۲۰
فهم دین، موهبتی خداوندی	۲۰
فقه، میراث داران انبیا	۲۲
۱ - ۲ - ۲ - ضرورت دستیابی به قواعد فهم حدیث	۲۳
فصل دوم: شرایط فهم‌کننده حدیث	۲۶
۱ - ۲ - فهم‌کننده حدیث در روایات: فقیه	۲۷
۱ - ۱ - ۲ - ویژگیهای فقیه	۳۰
۱ - شایستگی‌های علمی	۴۰
۱ - آشنایی کامل با زبان عربی	۴۴
۲ - آشنایی کامل با قرآن و علوم قرآنی	۴۴

- ۳- آشنایی کامل با حدیث و علوم حدیث ۴۵
- ۴- آشنایی کامل با آنچه به علوم شریعت متعلق است ۴۵
- ۲- شایستگی‌های روحی ۴۵
- ۱- إخلاص ۴۷
- ۲- حلم ۴۸
- ۳- صمت ۴۹
- ۴- عمل ۵۰
- ۵- خشیت الهی ۵۲
- ۶- حب اهل بیت (علیهم السلام) ۵۳
- ۷- زهد ۵۴
- ۲-۲- بالاترین فهم‌کنندگان ۵۵
- ۲-۲-۱- حاملین احادیث آل محمد (صلوات الله علیهم) ۵۶
- «ملک مقرب، نبی مرسل، مؤمن ممتحن» ۵۸
- ویژگیهای مؤمن ممتحن ۶۳
- عناوین دیگر برای این سه گروه ۶۹
- مدینه حصیة ۶۹
- صدر منیره، صدر مشرقه، صدر آمینه ۷۰
- قلوب سلیمه، افتدة سلیمه ۷۰
- اخلاق حسنة، أحلام رزينة ۷۱
- فصل سوم: قواعد فهم حدیث در روایات ۷۳**
- ۳-۱- قاعده اول: آگاهی بر زبان روایت (آشنایی با ادبیات و قواعد زبانی عربی) ۷۵
- ۳-۲- قاعده دوم: توجه به وجود صناعات ادبی در روایات ۷۷
- ۳-۳- قاعده سوم: توجه به وجود نقل به معنا در روایات ۸۲

- ۳ - ۳ - ۱ - نقل به الفاظ و اهمیت آن ۸۳
- ۳ - ۳ - ۲ - نقل به معنا ۸۴
- ۱ - عدم تعمد در نقل به معنای حدیث ۸۵
- ۲ - انتقال معانی؛ هدف در نقل به معنا ۸۶
- ۳ - ۳ - ۳ - نظرات درباره جواز نقل به معنا ۸۷
- ۳ - ۳ - ۴ - موارد عدم جواز نقل به معنا ۹۰
- ۱ - عدم جواز نقل به معنا در مصنفات ۹۰
- ۲ - عدم جواز نقل به معنا در ادعیه و اصول دین ۹۰
- ۳ - ۴ - قاعده چهارم: توجه به ذمراتب بودن احادیث ۹۲
- ۳ - ۴ - ۱ - قرائن ذو مراتب بودن روایات ۹۴
- ۱ - اهل بیت (علیهم السلام) تنها متحملین برخی از احادیث ۹۴
- ۲ - تفاوت درجات اصحاب ۹۶
- ۳ - امر به کتمان حدیث نزد نااهل ۱۰۲
- ۴ - وجود احادیث «صعب مستصعب» ۱۰۶
- بررسی مراد از ویژگی «صعب مستصعب» ۱۰۶
- نگاهی اجمالی به برخی از روایات باب «صعب مستصعب» ۱۰۷
- الف) بررسی معنای «صعب مستصعب» و «احتمال» ۱۰۹
- ب) تعیین مراد از گستره احادیث «صعب مستصعب» ۱۱۲
- بررسی روایات مصداقی ۱۱۳
- ۱ - روایت سلمان و جندب (روایت معرفت نورانی) ۱۱۳
- ۲ - روایت خلقت ۱۲۰
- ۳ - روایت میثم تمار ۱۲۱
- ۴ - روایت خمس ۱۲۳
- نتیجه‌گیری ۱۲۶

- نکته مهم: ویژگی صعب مستصعب از ویژگیهای مشترک ثقلین ۱۲۹
- دیگر ویژگیهای مذکور در این دسته از روایات ۱۳۰
- ۵ - ۳ - قاعده پنجم: توجه به ذووجه بودن روایات ۱۴۴
- ۳ - ۵ - ۱ - مراد از ذووجه بودن چیست؟ ۱۴۴
- ۳ - ۶ - ۱ - قاعده ششم: پرهیز از تفسیر به رأی روایات ۱۴۷
- ۳ - ۶ - ۱ - نهی از تفسیر به رأی در آیات ۱۴۷
- ۳ - ۶ - ۲ - نهی از تفسیر به رأی در روایات ۱۴۸
- روایات نهی از تفسیر به رأی در دین ۱۵۱
- علت نهی از بکارگیری رأی در دین ۱۵۴
- عام بودن خطاب از نهی ۱۵۶
- ۳ - ۶ - ۳ - مراد از تفسیر به رأی ۱۵۷
- ۳ - ۷ - قاعده هفتم: توجه به قرآن در فهم حدیث ۱۶۰
- ۳ - ۸ - ۱ - قاعده هشتم: لزوم جمع‌آوری احادیث ناظر به یک موضوع ۱۶۲
- ۳ - ۸ - ۱ - دلایل لزوم جمع‌آوری احادیث ناظر به یک موضوع ۱۶۳
- ۳ - ۹ - ۱ - قاعده نهم: توجه به وجود محکم و متشابه در احادیث ۱۷۴
- ۳ - ۹ - ۱ - تبیین مراد از محکم و متشابه ۱۷۵
- ۳ - ۹ - ۲ - عملکرد صحیح در مواجهه با احادیث محکم و متشابه ۱۷۸
- ۳ - ۱۰ - ۱ - قاعده دهم: توجه به ناسخ و منسوخ در احادیث ۱۸۱
- ۳ - ۱۰ - ۱ - ناسخ و منسوخ و لزوم شناخت آن ۱۸۱
- ۳ - ۱۰ - ۲ - نسخ، پدیده‌ای مخصوص روایات نبوی ۱۸۶
- ۳ - ۱۰ - ۳ - مراد از نسخ ۱۸۷
- تعریف نسخ نزد متأخران ۱۸۸
- اشکال مختلف نسخ ۱۹۰
- مراد از نسخ نزد پیشینیان ۱۹۰

- ۱۱ - ۳ - قاعده یازدهم: توجه به وجود عام و خاص در روایات ۱۹۴
- ۱۲ - ۳ - قاعده دوازدهم: توجه به تقطیع ۱۹۶
- ۱۳ - ۳ - قاعده سیزدهم: توجه به سبب صدور در فهم حدیث ۲۰۰
- ۱۳ - ۳ - ۱ - راههای به دست آوردن سبب ورود حدیث ۲۰۲
- ذکر نمونه‌ها ۲۰۲
- ۱۴ - ۳ - قاعده چهاردهم: توجه به تقيه‌ای نبودن روایت ۲۰۷
- ۱۴ - ۳ - ۱ - تقيه، اصلی مهم در اسلام و از نشانه‌های ایمان ۲۰۷
- ۱۴ - ۳ - ۲ - چگونگی برخورد با روایات تقيه‌ای در زمان صدور ۲۱۴
- ۱۵ - ۳ - قاعده پانزدهم: توجه به وجود احادیث‌نماها در روایات ۲۱۷
- ۱۵ - ۳ - ۱ - وجود احادیث جعلی، حقیقتی انکار ناپذیر ۲۱۷
- ۱۵ - ۳ - ۲ - اشاره به شناسه‌های متنی احادیث‌نماها ۲۲۱
- ۱۵ - ۳ - ۳ - اشاره به شناسه‌های سندی احادیث‌نماها ۲۲۲
- فصل چهارم: نتایج مترتب بر فهم حدیث ۲۳۰**
- ۱ - ۴ - پذیرش و یا ترک حدیث ۲۳۱
- ۱ - ۴ - ۱ - پذیرش روایت موافق با قرآن و ترک روایت مخالف قرآن ۲۳۱
- زخرف بودن روایات مخالف کتاب ۲۳۳
- تبیین مراد از موافقت و مخالف حدیث با قرآن ۲۳۴
- ۱ - ۴ - ۲ - پذیرش روایت موافق با سنت و ترک روایت مخالف سنت ۲۳۷
- ۲ - ۴ - توقف و ردّ علم به اهلش ۲۴۲
- ۱ - ۴ - ۲ - رعایت تقوای تکذیب در مواجهه با روایات ۲۴۳
- ۲ - ۴ - ۲ - امر به رد حدیث به اهلش در صورت علم نیافتن به آن ۲۴۸
- ۲ - ۴ - ۳ - مراد از ردّ احادیث چیست؟ ۲۵۴
- ۲ - ۴ - ۴ - سکوت در برابر نادانسته‌ها، از حقوق الهی ۲۵۴

خاتمه ٢٥٧

فهرست منابع و مآخذ ٢٦٧

صفحهٔ عنوان عربی ٢٨٠

چکیدهٔ عربی ٢٨١

چکیدهٔ انگلیسی

صفحهٔ عنوان انگلیسی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ﴾

مقدمه

کلام، هر چند والا و ارزشمند، تا آن زمان که فهمی بر آن تعلق نگیرد و مراد از آن دریافت نشود، هرگز در جایگاه و مقام حقیقی خود قرار نگرفته و ارزش آن دانسته نمی‌شود. قرآن؛ که والاترین سخنان است، خود مکرر به تدبّر و تعقل آیاتش توجه داده و قلبهای بی‌تدبّر را قلبی قفل زده از دریافت حقیقت می‌داند. این نشان می‌دهد که اندیشیدن در آیات، تعقل و تدبّر در آنها، و دریافتن بطون معنایی آن از اهمیت فراوانی برخوردار بوده و هدف از نزول قرآن رسیدن به معارف حقه آن است که راهنمای بشر در راه کمال اوست.

در کنار قرآن، حدیث، که پایاپای ثقل اکبر و هم‌زبان با آن است، دیگر کلامی است که دریافت معارف آن از اهمیت فزونی برخوردار است. از این رو در مورد احادیث نیز اهمیت فهم آن و دریافت گنجینه معارف نهان در ثقل اصغر امری واضح و تلاش در راه رسیدن به معارف آن امری فرض است. در کلام معصومین (علیهم السلام) نیز امر به فهم و درایت حدیث، و به عبارت چشم‌آشنا تر آن «فقه‌الحدیث»، از امور مؤکد بوده، روایات بسیاری در این باره وارد شده است.

بدین سان فقه‌الحدیث - با توجه به اهمیت و جایگاه آن که دریافت معارف حدیثی منوط به آن است - از اموری است که از ابتدای صدور حدیث مورد توجه و تأکید بوده و اولین کسانی که در این راه گام نهاده و به شرح و تبیین احادیث و روشن کردن مراد آنها پرداخته‌اند خود اهل‌بیت (علیهم السلام) هستند. ایشان علاوه بر توصیه‌های مکرر، در عملکرد خویش نیز اهمیت فهم احادیث را متذکر شده و به آسیبهای ناشی از فهم ناصحیح و کژفهمی‌ها اشاره می‌دادند.

فقه‌الحدیث دانشی است که هدف از آن به دست آوردن فهم و دریافتی صحیح و نزدیک به مراد اهل‌بیت (علیهم السلام) است. بدیهی است هر دانشی دارای قواعدی خاص بوده و به میزان به کارگیری این قواعد نتیجه به دست آمده نیز به نتیجه حقیقی نزدیک‌تر خواهد بود. دانش فقه‌الحدیث نیز از این قاعده مستثنا نیست، علاوه بر اینکه با توجه به اهمیت فقه‌الحدیث اهمیت دستیابی به نتیجه مطلوب نیز فزونی می‌یابد. در سیر فهم باید متنی که مراد فهم آن است در دستگاه قواعد صحیح قرار داده شده تا خروجی آن نیز فهم صحیح باشد. از این

رو در این بین اهمیت در دست داشتن قواعدی صحیح نیز روشن می‌گردد. چه آنکه اگر قواعد صحیح نباشد، هر چند مطالب اولیه صحیح باشند، نتیجه آن نتیجه‌ای صحیح و نزدیک به واقع نخواهد بود. بنابراین با توجه به اهمیت فقه‌الحديث اهمیت دست‌یابی به قواعد صحیح فقه‌الحديث نیز روشن می‌شود؛ آنچه را که ما به عنوان قواعد فهم در این مقاله مطرح می‌کنیم. قواعد فهم آن است که پایه و اساس و شالوده فهم بر اساس آن شکل می‌گیرد و اگر این پایه‌ها و شالوده‌ها به درستی بنا نشوند نمی‌توان به برپا شدن فهمی صواب امید داشت. از این رو باید دانست بهترین راه استخراج قواعد کدام است.

همان‌گونه که پیشتر گفته شد اهل بیت (علیهم السلام) با توجه دادن به امر فقه‌الحديث آثار ناشی از کثرت فهمی‌ها را نیز بیان می‌نمودند. ایشان در بسیاری از احادیث با ارائه مطالبی که می‌تواند به عنوان قواعد فهم حدیث مطرح شود تلاش دارند که راه‌های به دست آوردن فهم صحیح را به اصحاب خویش بنمایانند، قواعدی که در اثر بی‌توجهی به آنها امکان ضلالت وجود دارد. از این رو با توجه به اینکه هر متکلمی خود برای بیان قواعد فهم کلام خویش شایسته‌تر است - چرا که زیر و بم کلام خویش و معانی و مراد از آنها بر او روشن است - به منظور فهم کلام معصوم (علیه السلام) نیز بهترین راه استفاده از کلام ایشان است. پس بسیار به جاست که با بررسی احادیث نبوی و ولوی (صلوات الله علیهم) قواعدی که به منظور فهم صحیح احادیث مطرح شده است استخراج و به کار گرفته شوند. هدف از این تحقیق نیز دست‌یابی به این قواعد است و با بررسی روایات تلاش شده آنچه که می‌تواند به عنوان قواعد فهم حدیث در سیر فهم به کار بسته شود استخراج شود.

سؤالات و فرضیات

در این پایان‌نامه برآنیم تا به پاسخگویی دو سؤال اصلی بپردازیم:

۱- روایات اهل بیت (علیهم السلام) چه قواعدی را به منظور دست‌یابی به معنای صحیح متن به معنای اعم

بیان کرده است؟

۲- روایات اهل بیت (علیهم السلام) چه قواعدی را به منظور دست‌یابی به فهم مقصود و مراد روایت بیان

کرده است؟

فرضیات ما این است که:

۱- از جمله قواعدی که توجه به آن در دست‌یابی به معنای صحیح روایت لازم است می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: توجه به مبادی لغوی در فهم حدیث (مانند حقیقت و مجاز)، توجه به وجوه مختلف معنایی، توجه به نقل به معنا و

۲- از جمله قواعدی که توجه به آن در دست‌یابی به مقصود اصلی حدیث لازم است می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: توجه به فهم حدیث در پرتو قرآن، توجه به سبب صدور و قرائن متصله و منفصله، توجه به محکم و متشابه، عام و خاص و ... جمع‌آوری احادیث مختلف در یک موضوع، توجه به تقیه و عوامل آن و

پیشینه تحقیق

تاکنون در زمینه فهم حدیث کتب زیادی به رشته تحریر در آمده است که به صورت مستقل یا ضمنی به بحث قواعد فهم حدیث پرداخته‌اند، - که البته این مطلب خود نشان از اهمیت این بحث دارد - از کافی شیخ کلینی که نوع باب بندی آن حاکی از نقش فقه الحدیث است (مانند: الرد الی الکتاب و السنه، اختلاف الحدیث)، تا بحار الأنوار علامه مجلسی که در جای جای کتاب خود به شرح و توضیح و حل تعارض می‌پردازد. کتبی مانند «اصول و قواعد فقه الحدیث» از محمد حسن ربانی، «فقه الحدیث و روشهای نقد متن» از نهله غروی نائینی، «روش فهم حدیث» از عبدالهادی مسعودی نیز در این زمینه به رشته تحریر درآمده‌اند. در این زمینه مقالاتی نیز نگارش شده، از جمله مقاله دکتر مجید معارف با موضوع «صوابت فهم حدیث در لسان اهل بیت (علیهم السلام)» که به صورت بسیار کلی و محدود به قواعد فهم اشاره کرده است و دیگر مقالاتی که به بررسی معنای فهم حدیث از دیدگاه بزرگان پرداختند. اما بیشتر این تحریرات به فهم حدیث و نه بحث قواعد فهم حدیث توجه داشته‌اند - هر چند در فهم نیز از قواعد بهره جسته‌اند - و تا کنون پژوهشی که به تتبع همه جانبه قواعد فهم حدیث در روایات اهل بیت (علیهم السلام) بپردازد صورت نگرفته، از این رو شایسته است در این زمینه پژوهش مستقلی صورت گیرد.

ضرورت و اهداف

با توجه به اینکه حدیث یکی از دو منبع اصلی و مقدس جهت دستیابی به معارف حقّه الهی است، اهمیت فهم صحیح آن به خوبی ارزش خود را می‌نمایاند، و در سایه دستیابی به قواعد فهم حدیث از دیدگاه اهل بیت (علیهم السلام) می‌توان به فهمی صحیح از حدیث دست یافت. در این پژوهش هدف ارائه قواعدی است که با بکارگیری آنها می‌توان اطمینان بیشتری در رسیدن به فهم مقصود از حدیث داشت و توجه به آنها از برداشتهای نادرست و فهم ناقص تا حد زیادی خواهد کاست. با توجه به اینکه ریشه بسیاری از اختلافات و شبهات و ابهامات در معارف حدیثی به دلیل برداشت ناصحیح و یا ناقص و بی‌قاعده از حدیث است، اهمیت این تحقیق به خوبی روشن می‌گردد.

ساختار تحقیق

این رساله در چهار فصل سامان یافته است:

فصل اول: کلیات

این فصل به توضیح واژگان عنوان تحقیق، و تعریف، اهمیت و ضرورت دستیابی به قواعد فهم حدیث می‌پردازد.

فصل دوم: شرایط فهم‌کننده حدیث

بدیهی است فعل فهم، فاعل می‌خواهد، که به عنوان «فهم‌کننده حدیث» در این پایان‌نامه از آن یاد می‌کنیم. بررسی اینکه شرایط فهم‌کننده حدیث چیست و آنکه در پی فهم حدیث برمی‌آید باید بهره‌مند از چه ویژگی‌هایی باشد هدف این فصل است.

فصل سوم: قواعد فهم حدیث

بررسی قواعد فهم حدیث مهمترین فصل این پایان‌نامه و رسالت اصلی آن است. در این فصل با فحص در روایات برآنیم تا به قواعد فهم حدیث از دیدگاه روایات معصومین (علیهم السلام) دست‌یابیم.

فصل چهارم: نتایج مترتب بر فهم حدیث

در سیر فهم حدیث پس از کار بست قواعد صحیح فهم حدیث که از روایات به دست آمده است توسط فقیه نتایجی بر فهم حدیث مترتب می‌شود. بررسی این نتایج در این فصل انجام می‌شود.

در پایان به نکاتی چند - که در مطالعه این تحقیق توجه بدان لازم است - اشاره می‌شود:

۱. در این پایان‌نامه «روایت» به معنای «حدیث» به کار رفته است.

۲. منظور از «حدیث» به صورت مطلق «متن حدیث» است.

۳. در ترجمه دست‌های از روایات از ترجمه‌های ذیل استفاده شده است:

«الإحتجاج: غفاری مازندرانی، إرشاد القلوب: رضایی، الإرشاد: موسوی محلاتی، أمالی صدوق: کمره‌ای، أمالی مفید: استاد ولی، بحار الأنوار: کمره‌ای، سید أبوالحسن موسوی و فیض الإسلام، تحف العقول: کمره‌ای، التوحید صدوق: اردکانی، الخصال صدوق: جعفری و کمره‌ای، علل الشرایع: ذهنی تهرانی و مسترحمی، عیون أخبار الرضا (ع): غفاری، غرر الحکم: خوانساری، الغیة: غفاری، فضائل الشیعة: توحیدی، الکافی: کمره‌ای و مصطفوی، کمال الدین و تمام النعمة: کمره‌ای و پهلوان، مجموعة ورام: محمد رضا عطایی، مشکاة الأنوار: عطاردی، معانی الأخبار: محمدی، من لا یحضره الفقیه: غفاری، نهج البلاغة: شهیدی».

امید است که در حد بضاعت ایصال به مراد حاصل شود.

فصل اول

کلیات

فصل اول: کلیات

۱ - ۱ - توضیح واژگان عنوان تحقیق

۱ - ۱ - ۱ - حدیث

معنای لغوی

«ح د ث» اصلی واحد، به معنای بوجود آمدن چیزی است که قبلاً نبوده است.^۱ از این رو حدیث را به معنای هر چیز جدید، نو و تازه دانسته^۲، و آن را ضد قدیم گفته‌اند.^۳

«حدوث» پدیدار شدن چیزی است که قبلاً نبوده است، و «استحدثت خبراً» به معنای به دست آوردن خبر جدید است.^۴

جمع حدیث را «أحادیث» گفته‌اند،^۵ مانند «قطیع» و «اقاطیع»^۶، که جمعی بر خلاف قیاس است.^۷ اما برخی واحد «أحادیث» را «أحدوثة» می‌دانند که سپس به عنوان جمع حدیث نیز به کار رفته است، برخی دیگر سخن

۱. زکریا، أبو الحسین أحمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبد السلام محمد هارون، مكتبة الإعلام الإسلامی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۶.

۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، تحقیق: مهدی مخزومی، چاپ دوم، مؤسسة دار الهجرة، ۱۴۰۹هـ ج ۳، ص ۱۷۷؛ فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، ج ۱، ص ۱۶۴.

۳. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، تحقیق: أحمد عبد الغفور العطار، چاپ چهارم، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۰۷هـ ۱۹۸۷م، ج ۱، ص ۲۷۸؛ حسینی زبیدی حنفی، سید محمد مرتضی، تاج العروس، تحقیق: علی شیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴هـ ۱۹۹۴م، ج ۳، ص ۱۸۹-۱۹۳.

۴. جوهری، الصحاح، پیشین، ج ۱، ص ۲۷۸.